



چهار عاملی که مانع ذاکر شدن انسان می‌شود

مختاری اظهار کرد: موانع ذاکر شدن انسان شامل چهار مورد است. عدم مواجهه با حق اولین مانع از ذاکر شدن انسان است.

مختاری اظهار کرد: موانع ذاکر شدن انسان شامل چهار مورد است. عدم مواجهه با حق اولین مانع از ذاکر شدن انسان است. گاهی انسان با حق مواجه می‌شود، اما در زندگی خود رجوع به حق پیدا نمی‌کند، گاهی نیز به جای حق تعالی به شخص دیگری مراجعه می‌کند. چهارمین مانع این است که انسان ظرفیت دریافت حق پیدا نمی‌کند و در واقع امکان دریافت حقیقت از وی سلب شده است.

به گزارش خبرنگار ایکننا، نشست «بررسی راهکارها و موانع تقویت ذکر با توجه به کتاب ذکر؛ توجه نفس» امروز یکشنبه ۲۴ اسفند ماه از سوی گروه مطالعات انسان شناسی مدرسه دانشجویی قدر، با سخنرانی حسین مختاری برگزار شد. در ادامه متن سخنان وی را می‌خوانید:

انسان در دنیا با دیگران در تعامل است و از طرفی دارای برخی نعمات و بهره مندی‌ها است و از سوی دیگر، یک نفس یا خود دارد، لذا با خود هم در ارتباط است، بنابراین باید یک ارزیابی نسبت به انسان داشته باشیم از این جهت که چقدر از ذکر محروم است و بهترین مورد برای خودارزیابی میزان محرومیت انسان از ذکر، نماز است. اینکه چقدر در نماز حضور قلب داریم و چند درصد حضور نداریم و توجه ما معطوف به امور دیگر است، از معیارهایی برای میزان ذاکر بودن انسان است.

یکی از دلایل غفلت از خدا، اشتغال به امور دیگر است. یکی از شاخص‌هایی که به انسان کمک می‌کند، این است که انسان چقدر اهل آرزوهای دور و دراز و دست نیافتنی است که در قرآن از آنها با عنوان امل اشاره شده است. این موضوع نیز در خودارزیابی ما مؤثر است. آدم‌هایی اهل ذکر هستند که به جای آرزو، بر مقوله عمل تأکید دارند. کسانی که در آرزوی خود غرق شوند و بعد ببینند بسیاری از آنها دست نیافتنی هستند، دچار امل خواهند شد.

خیلی از اوقات انسان می‌تواند از نوع تعامل با دنیا تأثیر پذیرد. اگر انسان نسبت به دنیا احساس رضایت داشته و فکر کند جای محکمی پا گذاشته است، به همان نسبت از ذکر محروم می‌شود. همین انسان که فریفته شده، در بهره مندی از امکانات خود از حد اعتدال خارج می‌شود. اینکه انسانی نتواند غضب و شهوت خود را کنترل و نتواند بر خشم خود فایق بیاید، نشانه دیگری از غفلت وی است. از سوی دیگر، انسان باید به فکر چشم پوشی از عیوب دیگران باشد. هرچقدر که انسان دنبال پیدا کردن عیوب دیگران باشد، به همان میزان خودبینی دارد. مسئله دیگر این است که انسان به خاطر این خودبینی از اطرافیان خود فاصله بگیرد. اینها همگی نشانه‌های انسان محروم از ذکر است.

اینکه انسان چقدر اهل اصرار بر گناه باشد، شاخصی دیگر برای محرومیت بیشتر انسان از ذکر است. محور دیگر که مرتبط با این موضوع است، این است که گاهی انسان با وسوسه‌ای مواجه شده و این وسوسه‌ها استمرار پیدا می‌کند و همین مسئله نیز نشانه محرومیت انسان از ذکر است، چراکه اگر کسی نتوان خود را از آن وسوسه‌ها رها کرده و اسیر آن باشد، خود را از ذکر محروم کرده است.

در موقع نماز همه فکرهای خوب سراغ انسان می‌آید، لذا آن موقع بهترین فرصت برای بهره مندی از ذکر است. انسان منعطف بسیار اهل ذکر است. اگر انسان به دیگران بسیار بی‌توجهی کند، به همان اندازه از ذکر محروم است. انسان باید همواره دیگران از جمله همسایگان، خانواده و قوم و عشیره را مورد توجه قرار دهد و از آنها دستگیری کند. در اینجا مهم این است که انسان از نگاه کردن به دیگران به دنبال عیوب آنهاست یا می‌خواهد با دیدن عیوب دیگران به عیوب خود پی برد. اگر انسان به دنبال عیوب خود باشد، بهره مند از ذکر و اگر دنبال عیب جویی از دیگران است خود را نیز از ذکر محروم کرده است.

بعضی اوقات انسان ممکن است به خاطر شرایط جسمانی نتواند چندان به دیگران توجه کند، اما می‌تواند به خدا توجه کرده و ضعف‌های خود را نزد خدا ببرد. انسان ذاکر اینگونه است و همین ذکر باعث قوت وی خواهد شد.

موضوع دیگری که در زمینه ذکر اهمیت دارد، این است که موانع ذکر در انسان چیست و ما را با چه آسیب‌هایی مواجه می‌کند. گفته شده گام اول موحد شدن، گفتن «لا اله الا الله» است. بنابراین باید نیت کنیم و از موانع ذکر دور شویم و این گام اول برای ذاکر شدن است. انسان ذاکر در طول زندگی با موقعیت‌های مختلفی مواجه می‌شود و در هر موقعیت در معرض حقی قرار می‌گیرد.

گیرد و این باعث می شود که این فرد از ثمرات ذکر که شامل مواردی همانند خروج از ظلمات و انطباق با حق از بهره مند شود.

موانع ذاکر شدن انسان شامل چهار مورد است. در قرآن از آن سازوکاری که انسان با حق مواجه می شود تحت عنوان انذار نام برده شده است، اما عدم مواجهه با حق اولین مانع از ذاکر شدن انسان است. گاهی انسان با حق مواجه می شود، اما در زندگی خود رجوع به حق پیدا نمی کند و این دومین مانع است. گاهی نیز به جای حق تعالی به شخص دیگری مراجعه می کند که این نیز مانعی مهم برای ذاکر شدن انسان است. در این شرایط در موقعیت رجوع قرار نمی گیریم، چراکه دچار دروغگویی شده ایم. چهارمین مانع این است که انسان ظرفیت دریافت حق پیدا نمی کند و در واقع امکان دریافت حق از وی سلب شده است.

به طور کلی سیر دور شدن انسان از جریان ذکر از یک مواجهه شروع می شود و آن هم رویگردانی از حقیقت است. گاه حق برای انسان تداعی می شود، اما به خاطر گرایش ها و عواطف خود از حق دور خواهد شد و ظرف وجودی وی سنخیتی با حق ندارد. گاهی مشکل در خود مواجهه شدن و گاهی مشکل در نحوه رجوع به علم است، اما گاهی که رجوع صورت می گیرد، موانعی باعث اختلال در عملکرد و رفتار و عواطف خواهد شد. نتیجه این سه مورد این است که ظرفیت انسان محدود می شود.

ما در ساختار وجودی انسان از منظر ذکر، انسان را همانند استوانه ای می بینیم که بالا، حق و در سمت راست و چپ وی رجوع و نزول حق را داریم و در پایین استوانه نیز ظرفیت انسان قرار دارد. گاهی انسان با حق مواجه می شود، اما رجوع به آن ندارد و گاهی مواجهه با حق و رجوع هم وجود دارد و می تواند حق را دریافت کند، اما برخلاف آن عمل می کند، چراکه هنوز اراده تحقق آن را ندارد، لذا به فعلیت نمی رسد و وقتی انسان کاری را دائماً تکرار کند، در نتیجه در ظلمات آن نیز باقی خواهد ماند.

انسان ظرفیت هایی برای رجوع به حق یا برای ذکر دارد، اما گاهی با اعمال خود این ظرفیت را از بین می برد. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۗ لَأَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَيٰ شَيْءٍ ۗ ذٰلِكَ هُوَ الصَّلٰۤءُ الْبَٰعِيْدُ؛ مثل اعمال کسانی که به خدا کافر شدند، به خاکستری می ماند که در روز تند باد شدید، همه به باد فنا رود که از همه کوشش خود هیچ نتیجه نبرند. این همان ضلالت (و حسرت) دور (از طریق نجات) است» (ابراهیم/ ۱۸) گاهی در نتیجه عمل بد، ظلمات روی ظلمات قرار می گیرد و در نتیجه ظرفیت انسان برای رجوع به حق از بین می رود.